

هراکلیتوس و نظریه‌ی تغییر

هراکلیتوس از مردم افسس بود و بنا به گفته‌ی دیوگنس در جریان المپاد شصت و نهم یعنی حدود ۵۰۰ پیش از میلاد به بلوغ فکری رسید. دوران زندگی او را می‌توان در حدود سال‌های ۴۷۸-۵۴۴ پیش از میلاد قرار داد. از زندگی او اطلاع زیادی در دست نیست، ولی نظریه‌ای که مطرح کرده است امروز درخشش خود را بیش از گذشته نشان می‌دهد. او معتقد بود که هر چیزی از اضداد تشکیل می‌یابد و نیروهایی در آن وجود دارند که به‌طور هم‌زمان از دو طرف برهم اثر می‌گذارند و از این رو همواره دچار تنش درونی هستند.

روز و شب، زمستان و تابستان، جنگ و صلح، سیری و گرسنگی همه اضدادند. آن‌ها به‌نحو متقابل موجب اضمحلال یکدیگر می‌شوند، به‌طوری که مرگ یکی، زندگی دیگری است.

هرچند اغلب مردم چیزی را خوب و متضاد آن را بد می‌نامند، اما در واقع بدون دیگری هیچ چیز خوب نیست. این است که بیماری، سلامتی را لذت‌بخش و خوب می‌کند، گرسنگی سیری را، خستگی آسایش را. خوبی آن‌ها وقتی ظاهر می‌شود که در مقابل ضدشان قرار گیرند.

اضداد در ستیز هستند و ستیز در همه چیز وجود دارد و تمام اشیا به‌سبب ستیزه به‌وجود می‌آیند و از میان می‌روند. گرم و سرد، تر و خشک همکاری ندارند، بلکه در ستیزی دایم هستند. ستیز و تنش نیروی آفریننده و هدایت‌کننده‌ی پدیده‌هاست.

جهان چون یک میدان عظیم نبرد است که نیروهای کم و بیش متعادلی در آن رو در روی هم قرار دارند. این مبارزه یک وضعیت استثنایی نیست، بلکه قاعده‌ی اصلی زندگی و خود زندگی است که انسان باید آن را به‌عنوان عدالت طبیعی بپذیرد.

اضداد، زیباترین تاروپودها را به‌وجود می‌آورند و پدیده‌ها حاصل مبارزه‌ی آن‌هاست. به‌این ترتیب همواره اضداد در کشاکش هستند و این ستیز مایه و سرچشمه‌ی دوام و بقای آن‌هاست. کشمکش میان ضدها، موجب پیدایش تغییر می‌شود. اضداد به‌یکدیگر تبدیل می‌شوند و همواره در حال تغییر و تحول هستند. همه‌ی موجودات اعم از حیوان و جماد و نبات دستخوش

این تحول و دگرگونی می‌شوند. هرچه را بنگری، به یک اعتبار هست و به یک اعتبار نیست. به هیچ پدیده‌ای نمی‌توان گفت «هست»، بلکه باید گفت «می‌شود» و شدن نتیجه‌ی کشمکش اضداد است و در عین حال، این کشمکش، اجزای جهان را با هم سازش و توافق می‌دهد. اعداد برای یکدیگر لازمند، ولی همواره در حال اعتدال و تناسب قرار دارند. همین که یکی از حد اعتدال بیرون شد، قانون موجود در جهان او را به‌مقام خود برمی‌گرداند. طبق این نظریه، چیزهایی که در نگاه نخست به‌نظر ساکن می‌آیند، اگر به‌دقت بررسی شوند، تغییرهایی در آنها دیده می‌شود. یک فلز زنگ می‌زند، یک تخته سنگ ساییده می‌شود، درخت رشد می‌کند، جوان پیر می‌شود. همه چیز در جریان است. شما نمی‌توانید دوبار در یک رودخانه شنا کنید، زیرا آب‌های تازه در آن جریان می‌یابند.

این جریان و درگذر بودن، پیوسته یک هماهنگی در میان پدیده‌ها به‌وجود می‌آورد، میان آن‌چه دگرگون می‌شود و آن‌چه هنوز دگرگون نشده است، یک تناسب و هماهنگی وجود دارد. تناقض، توافق است و از چیزهای ناموافق زیباترین هماهنگی پدید می‌آید. ستیزه و تغییر چنان به‌جلو و عقب در نوسان است که تعادل جهانی همواره حفظ می‌شود. این تعادل حاصل ستیزه و تنش دائم است. کشمکش اضداد نه تنها لکه‌ای بر وحدت «واحد» نیست، بلکه برای «واحد» اساسی است. «واحد» در کثیر وجود دارد و وحدت در اختلاف. این‌که کثیری وجود دارد به‌اندازه‌ی کافی روشن است. اما در عین حال عقل دائم می‌کوشد که وحدت و نظامی را درک کند که موجب به‌هم پیوستن پدیده‌ها می‌شود، البته این هدف عقل مطابق است با وحدت واقعی در پدیده‌ها. پدیده‌ها به‌هم وابسته‌اند، اعداد اگرچه دگرگون و به‌یکدیگر تبدیل می‌شوند، اما حاصل این دگرگونی‌های اضداد وحدت و هماهنگی است. در واقع همان‌گونه که اضداد زاییده‌ی وحدت‌اند، وحدت نیز نتیجه‌ی اضداد است.

هراکلیتوس می‌گوید: «هر جفتی از پدیده‌ها هم کامل است و هم غیرکامل. به‌گرد هم می‌آیند و از هم جدا می‌شوند. هم با خود توافق دارند و هم متنافرند. واحد تشکیل شده است از همه چیز و هر چیز از واحد صادر می‌شود.»

این گونه می‌توان گفت که وحدت در جهان چیزی نیست جز هماهنگی زاییده‌ی اضداد. اما این هماهنگی آشکار نیست. آنچه در جهان به‌چشم می‌آید، کشاکش پیوسته در میان اضداد و ستیز عناصر و پدیده‌های گوناگون هستی است. ولی در درون این کشاکش‌های اضداد هماهنگی وجود دارد که پنهان است و هماهنگی پنهان نیرومندتر از تضاد آشکار است.

در یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که همه‌ی پدیده‌ها از اضداد تشکیل شده‌اند، اعداد همیشه در ستیز هستند و ثمره‌ی این ستیز، دگرگونی است که اضداد را به‌یکدیگر تبدیل می‌کند. حاصل

این تغییر و تحول اضداد وحدت و هماهنگی است. در واقع یک پدیده وجود دارد که به شکل های گوناگون درمی آید. همان گونه که اضداد زاییده ی وحدت اند، وحدت نیز نتیجه ی اضداد است. آنچه در نظر ساکن است، همواره در معرض تغییر قرار دارد و آن ها که در ظاهر ستیز می کنند دارای هماهنگی و وحدت پنهانند.

منابع:

- ۱- حنا الفاخوری و خلیل الجبر. تاریخ فلسفه در جهان اسلامی. ترجمه ی عبدالمحمد آیتی. ناشر: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی. چاپ سوم: ۱۳۶۷
- ۲- خراسانی، شرف الدین. نخستین فیلسوفان یونان. ناشر: شرکت سهامی کتاب های جیبی. چاپ دوم: ۱۳۵۷
- ۳- راسل، برتراند. تاریخ فلسفه ی غرب (جلد اول). ترجمه نجف دریابندری. ناشر: نشر پرواز. ۱۳۶۵.
- ۴- فروغی، محمدعلی. سیر حکمت در اروپا. ناشر: انتشارات زوار. چاپ چهارم: ۱۳۶۶.
- ۵- کاپلستون، فردریک. تاریخ فلسفه (جلد اول: یونان و روم). ترجمه ی سیدجلال الدین مجتبی. ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم: ۱۳۶۸.
- ۶- کرشتزو، لوچانوود. فیلسوفان بزرگ یونان باستان. ترجمه ی عباس باقری. ناشر: نشر نی. ۱۳۷۷.
- ۷- گاتری، دبلیو. کی. سی. تاریخ فلسفه یونان: (۵) هراکلیتوس. ترجمه ی مهدی قوام صفری. ناشر: انتشارات فکر روز. ۱۳۶۷.
- ۸- هالینگ دیل، ر. ج. مبانی و تاریخ فلسفه غرب. ترجمه ی عبدالحسین آذرنگ. ناشر: انتشارات کیهان. ۱۳۶۴.

مفهوم فرضیه نسبیّت

خبرنگاران از اینشتین پرسیدند:

- چطور زمان با سرعت های مختلف سپری می شود؟

- اگر شما روی زانوانتان دختر نازنینی را بنشانید یک ساعت مثل یک دقیقه

می گذرد ولی اگر شما را روی یک اجاق داغ بنشانند یک دقیقه مثل یک ساعت

می گذرد. این است مفهوم فرضیه نسبیّت!